

# عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته  
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: ییترو ۵۷۸۰

هم جهانی و هم خاص

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Yitro 5780

The Universal and the Particular

یهودیان حس قدردانی و شکرگزاری را با *Baruch Hashem* به معنای "خدا را شکر" یا "متبارک باد نام او" بیان می کنند.

خسیدیم درمورد بعل شم طوو می گویند که او به شهرستان ها و روستاهای اروپای شرقی سفر می کرد و از یهودیان می پرسید که روزگار را چگونه می گذرانند؟ آن یهودیان، هر قدر هم اسیر مشقت ها و تهیدست، بی استثنا می گفتند *Baruch Hashem*. این، گونه ای بیانِ غریزیِ ایمان بود و هر یهودی آنرا می شناخت. آنها ممکن بود مانند حکیمان بزرگ تلمودی دانش نداشتند یا از ثروت و موفقیت بی بهره بودند، اما بر آن بودند که دلیل برای شکرگزاری بسیار داشتند و این چنین می کردند. وقتی از بعل شم طوو پرسیدند چرا چنین است، با آوردن

این آیه پاسخ داد: "شما مقدس هستید و تاج افتخار ایسرائل را بر سر دارید (مزامیر داوود ۲۲:۴). به این ترتیب، هر بار یک یهودی می گوید *Baruch Hashem* به تاج سروری شخینا یا جلال الهی یاری می رساند".

در پاراشای این هفته *Baruch Hashem* آمده است. اما نه از زبان یک یهودی. کسی که آنرا می گوید یترو، پدرزن موسی است. او که پس از خروج از مصر همراه همسر و فرزندان موسی به او می پیوندد، با شنیدن رویدادهای مصر می گوید: "متبارک است خداوند [*Baruch Hashem*] که شما را از دست مصریان نجات داد" (خروج ۱۰:۱۸).

سه نفر در تورات این عبارت را بیان می کنند - هر سه غیر یهودی و افرادی خارج از عهد ابراهیمی هستند. نخستین آنها نوح است: "متبارک باد خداوند، خدای شم" (پیدایش ۹:۲۶). دومی، خدمتکار ابراهیم است، گویا همان الیعزر، که برای یافتن همسری برای اسحق می رود: "متبارک باد خداوند، خدای سرور من، ابراهیم" (پیدایش ۲۴:۲۷). سومی یترو است در پاراشای این هفته.<sup>1</sup>

آیا اینها اهمیت دارند؟ چرا شکرگزاری به درگاه خدا به نوح، الیعزر و یترو نسبت داده شد، حال آنکه از بنی اسرائیل به غیر از "سرود دریا" هر چه می شنویم، شکایت و گله است؟

شاید پاسخ این باشد که طبیعت بشری همین است: ما بیشتر کمبودهای خود را به روشنی می بینیم، حال آنکه دیگران موهبت هایی را که به ما رسیده را واضح می بینند. ما شکایت می

---

<sup>1</sup> دو نمونه غیرمستقیم هم هست: لابان به خدمتکار ابراهیم می گوید: "تو که از سوی خدا برکت شده ای" (پیدایش ۲۴:۳۱). او یملخ، شاه گرار در مورد اسحق می گوید: "تو از سوی خدا برکت شده ای" (پیدایش ۲۶:۲۹). توجه کنید که هیچ یک از گویندگان این جمله ها از دارندگان عهد نیستند.

کنیم، در حالی که دیگران در شگفتند که ما از چه چیز شاکی هستیم وقتی این همه موهبت برای شکرگزاری داریم؟ این یک تفسیر است.

اما شاید نکته ای بس اساسی تر در اینجا نهفته است. تورات دارد ظریفترین، اما دشوار فهم ترین ایده خود را بیان می کند: این که خدای اسرائیل، خدای همه بشریت است، حتی اگر دین اسرائیل دین کل بشریت نیست. چنان چه ربی عقیوا بیان کرد: "نوع بشر محبوب خدا است، زیرا به صورت و شباهت خدا آفریده شده است. اسرائیل محبوب خدا است، زیرا آنها فرزندان خدا نامیده شده اند"<sup>2</sup>

ما بر آنیم که خدا جهانگستر است. او جهان را آفرید. روندهایی را به حرکت درآورد که به خلق ستارگان، سیارگان، حیات و بشریت انجامید. مراقبت او فقط شامل حال اسرائیل نیست. چنان که در دعای *Ashrei* می گوئیم: "شفقت رحیمانه او در همه کارهایش نهفته است." نیازی نیست که یهودی باشی و هیبت خدا را مانند ییترو حس کنی و دست او را در رویدادهای معجزه آمیز بازشناسی. به سختی می توان ادبیات دینی دیگری یافت که به شخصیت هایی که خارج از حدود آن قرار دارند، چنین حرمتی بگذارد.

این نه تنها برای سه شخصیتی که *Baruch Hashem* را بیان کردند، صادق است، بلکه تورات، فرد معاصر ابراهیم، ملکی صدق، شاه شالم، را نیز "کاهن خدای اعظم" معرفی می کند. او نیز شکر خدا را به جا آورد: "خدای اعظم، اورام را برکت دهد، خدای آسمان و زمین. و متبارک باشد خدای اعظم که دشمنانتان را به شما تسلیم نمود (پیدایش ۲۰-۱۹:۱۴).

---

<sup>2</sup> Mishnah Avot 3:14.

در باب ۱۸ پیدایش، ابراهیم با خدا بر سر حکم مجازات شهر سدوم چالش می کند: "آیا قاضی سراسر زمین، عدالت را در نظر نمی گیرد؟" اما بیدرنگ در دو فصل بعد، خدا به اویملخ، شاه گرار می گوید که به سارا دست درازی نکند، زیرا او همسر ابراهیم است، هرچند ابراهیم گفته بود که او خواهرش است. اویملخ با واژگانی بسیار یادآور ابراهیم، خدا را به چالش گرفت: "خدایا آیا یک ملت بیگناه را نابود خواهی کرد؟"

یا در نظر بگیرید که پاراشای این هفته که در بردارنده ده فرمان و نیز مهمترین رویداد کل تاریخ یهود یعنی عهد کوه سینا است، به اسم یک غیر یهودی نامگذاری شده است. افزون بر این، تورات درست پیش از وحی کوه سینا، به ما می گوید که چگونه این یتروکاهن میدیان بود که به موسی، سازماندهی و رهبری قوم را آموخت.

این موارد، نشانگر سخاوت معنوی تورات نسبت به آنهایی است که خارج از عهد هستند.

یا ماه تیشری، مقدس ترین ماه سال یهودی را در نظر بگیرید. در اولین روز رش هشانا و در روایت تولد اسحق، می خوانیم که چگونه فرشته ای به کمک هاجر و اسماعیل شتافته، می گوید: "تو را چه شده هاجر؟ هراسان مباش. خدا زاری پسرکی را که اینجا بر زمین خوابیده، شنیده است. پسر را بلند کن و روی دست بگیر، زیرا من او را به ملتی عظیم تبدیل خواهم کرد" (پیدایش ۱۸-۱۷:۲۱). اسماعیل مقرر نبود که در عهد شرکت کند، اما نجات و برکت یافت.

در یوم کیپور هنگام بعد از ظهر، در حالی که بیشتر روز را در حال روزه و اعتراف بوده ایم، کتاب یونس را می خوانیم که نبی، پنج کلمه عبری به زبان می آورد ("ظرف چهل روز، نینوا

منهدم خواهد شد" و سپس تمام جمعیت آشور که دشمن یهودیان بودند، تشووا می کنند. سنت تلمودی این مورد را نمونه ای از بازگشت دستجمعی به راه خدا [تشووا-توبه] می داند.

در جشن سوکا، نبوت زخریا را می خوانیم که بر اساس آن در آینده همه ملل برای جشنواره باران به اورشلیم خواهند آمد (زخریا ۱۹-۱۶:۱۴).

اینها سه نمونه شگفت انگیز از دیدگاه جهان نگر در یهودیت هستند. این نمونه ها نمی گویند که سرانجام، همگان به یهودیت می گروند. بلکه بر آنند که سرانجام، همگان خدای یکتا، آفریدگار و سرور جهان را خواهند شناخت. این دو با هم تفاوت بسیار دارند.

همسان این ایده که کسی می تواند خارج از ایمان یهودی باشد و همچنان مردم به عنوان فردی خداشناس به او احترام بگذارند، در دنیا بسیار کمیاب است. دیدگاه رایج این است که یک خدا، یک حقیقت و یک راه وجود دارد. هر کس خارج از آن راه باشد، بیخدا، کافر، بی رستگاری، بی نجات و فرومایه ارزیابی می شود.

پس چرا یهودیت میان جهانی بودن خدا و مناسبت خاص با او تمایز می گذارد؟ پاسخ این است: زیرا این برخورد در حل بزرگترین مشکلی که بشریت از دیرباز با آن دست به گریبان است، به ما کمک می کند: چگونه کرامت انسانی و احترام دیگری را به رسمیت بشناسیم. تاریخ و عوامل زیست شناختی در ذهن بشر ظرفیتی گشوده اند برای رفتار خوب با انسان های شبیه ما و تهاجم نسبت به انسان های متفاوت با ما. ما خوب هستیم، آنها بد هستند. ما معصوم هستیم، آنها گناهکار. حقیقت نزد ما است و آنها دروغ می گویند. خدا محافظ ما است و نه

آنها. بسیاری از جنایت های ملت ها علیه ملت های دیگر به دلیل چنین استعدادی در بشر رخ داده اند.

از این رو تنخ [مجموعه پنج کتاب تورات، کتب انبیاء و کاتبان] برخلاف آن آموزش می دهد. نوح، الیعزر و ییترو افراد خداشناسی بودند، ولی از اعضای قوم بنی اسرائیل نبودند. حتی مردم نینوا مصمم شدند برای پیروی از یک نبی و بازگشت به راه خدا. خدا اسماعیل را همانند اسحق برکت کرد. اینها درس های بزرگی هستند.

برای قرن بیست و یکم، هیچ اصل دیگری تا این اندازه کشش و کاربرد ندارد. مشکلات بزرگ پیشاروی بشریت - مانند تغییرات زیست بومی، نابرابری اقتصادی، جنگ های سایبری، هوش مصنوعی - مشکلاتی بین المللی هستند، ولی نهادهای سیاسی موثر ما بیشتر ملی هستند. میان مشکلات ما و راه حل های موجود، تناسبی وجود ندارد. باید راهی پیدا کنیم برای ترکیب کردن جنبه جهانی انسان بودن ما با فرهنگ ها و دین های خاص.

تورات همین کار را می کند وقتی به ما می گوید که نوح، الیعزر و ییترو *Baruch Hashem* را به زبان آوردند. آنها خدا را شکر گفتند، همان گونه که ما امروز شکر می گوئیم. خداوند جهانشمول است. بشریت از این رو که به تصویر و شباهت خدا خلق شده، جهانی است. اما وحی و عهد کوه سینا خاص بودند. آنها به داستان ما تعلق دارند و نه به داستان جهانی بشریت.

**من باور دارم که این توانایی خاص بودن در هویت ما و همزمان، جهانی بودن در تعهد ما به آینده انسانی، یکی از مهمترین پیام هایی است که به عنوان**

یهودی باید به قرن بیست و یکم انتقال دهیم. ما متفاوت هستیم، اما انسان می باشیم [در مفهوم جهانشمول آن]. پس بیاییم با همیاری یکدیگر به مشکلاتی بپردازیم که تنها در کنار هم قادر به حل آنها خواهیم بود.

شبات شالوم



برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - [www.rabbisacks.org](http://www.rabbisacks.org)  
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

\*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط  
شیریندخت دقییان Shirin D. Daghighian Persian Translation